

حدود صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تفصیل و تبیین شرایط رئیس‌جمهور با تأکید بر سیاست‌های کلی انتخابات

محمد حسن باقری خوزانی^{۱*}، فرامرز عطریان^{۲**}، غلامحسین مسعود^{۳***}

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق و الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، نجف آباد، ایران

۳. استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، نجف آباد، ایران

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۷

چکیده

قانونگذار اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۱۵ قانون اساسی شرایط داوطلبان ریاست جمهوری را تعیین کرده است. به موجب این اصل «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حُسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور». یکی از چالش‌هایی که همواره در خصوص این اصل وجود داشته، ابهام در حصری یا تمثیلی بودن شرایط مذکور در این اصل است که حسب مورد بر حدود صلاحیت مقنن عادی در تفصیل یا تبیین شرایط داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری اثرگذار است. این مقاله در قالبی توصیفی - تحلیلی، ضمن بررسی حدود صلاحیت مجلس در این زمینه اثبات کرد که برخلاف دیدگاه غالب که قائل به حصری بودن شرایط مزبور و به تبع آن عدم صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تفصیل یا تبیین شرایط ریاست‌جمهوری است، تمثیلی قلمداد شدن شرایط مذکور و به تبع آن صالح دانستن مجلس به منظور شناسایی شرایط عمومی با سیاست‌های کلی انتخابات و برخی نظرهای شورای نگهبان همخوانی بیشتری دارد؛ ضمن اینکه با توجه به صلاحیت عام قانونگذاری مجلس در اصل ۷۱ قانون اساسی، امکان تبیین شرایط اختصاصی مصرح در اصل ۱۱۵ مفروض است.

واژگان کلیدی: اصل ۱۱۵ قانون اساسی، اصل ۷۱ قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری، رجال مذهبی و سیاسی، سیاست‌های کلی انتخابات.

* Email: mohamadhasan92@yahoo.com

** Email: atrian.f.1001@gmail.com

*** Email: Dr.gh.masoud@gmail.com

مقدمه

در حوزه حقوق یکی از انتخاباتی که در جمهوری اسلامی ایران هر چهار سال یک بار برگزار می‌شود، انتخابات ریاست جمهوری و یکی از مسائل مربوط به این انتخابات، شرایط انتخاب‌شوندگان است. مبتنی بر اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کسانی می‌توانند رئیس‌جمهور شوند که از میان رجال مذهبی و سیاسی کشور بوده و ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حُسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور باشند. از شرایط یادشده در این اصل تنها دو شرط ایرانی‌الاصل و تابع ایران بودن جنبه کمی و روشن دارد و شروط دیگر ماهیت کیفی و ساختی کلی دارند. سکوت قانونگذار اساسی در ارائه تعریف و معیار به‌منظور تشخیص شروط کیفی به نقاط ابهام این اصل افزوده و سبب شده است تا برداشت‌های متفاوتی از این اصل صورت پذیرد که در پی آن تفسیرهای گوناگونی به‌منظور احراز آن‌ها در داوطلبان ریاست جمهوری ارائه شود.

منشأ چنین استنباط‌های گوناگون ناظر بر حصری یا تمثیلی دانستن شرایط مصرح در اصل ۱۱۵ قانون اساسی است. برخی این شرایط را حصری دانسته و در نتیجه مجلس شورای اسلامی را به‌منظور اضافه کردن سایر شروط یا تبیین شرایط گفته‌شده در این اصل، صالح نمی‌دانند و برخی دیگر این شرایط را تمثیلی قلمداد کرده و معتقدند مجلس شورای اسلامی می‌تواند با استناد به اصل ۷۱ قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات مصوب ۱۳۹۵/۰۷/۲۴ شرایط عمومی را تعیین و به‌منظور تبیین شرایط اختصاصی نیز قانونگذاری کند. با عنایت به نکات مذکور، در این مقاله در پی پاسخگویی به این پرسش هستیم که آیا مجلس می‌تواند شرایط مصرح در اصل ۱۱۵ را تفصیل دهد یا در مقام تبیین این شرایط برآید یا خیر؟ برای پاسخ به این پرسش باید به پرسش‌های فرعی ذیل نیز پاسخ دهیم:

۱. آیا شرایط مذکور در اصل ۱۱۵ قانون اساسی حصری یا تمثیلی است؟
۲. آیا با ابلاغ سیاست‌های کلی انتخابات در سال ۱۳۹۵ در رویکرد نظام حقوقی ایران در تعیین شرایط رئیس‌جمهور تحولی رخ داده است یا خیر؟
۳. رویه و برداشت شورای نگهبان به‌عنوان نهاد دادرسی اساسی از اصل ۱۱۵ قانون اساسی چیست؟

فرضیه نویسندگان این است که با توجه به صلاحیت عام قانونگذاری مجلس شورای اسلامی، سیاست‌های کلی انتخابات و برخی نظرهای شورای نگهبان، تفصیل و تبیین شرایط رئیس‌جمهور توسط مجلس شورای اسلامی منطبق با منظومه قانون اساسی جمهوری اسلامی

ایران است. در خصوص موضوع نوشتار حاضر پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته اغلب ناظر بر تبیین صفات مذکور در اصل ۱۱۵ قانون اساسی و بیان شرایط انتخاب‌پذیری برای مقام ریاست جمهوری ایران بوده است و از این‌رو این پژوهش بدیع بوده و دارای نوآوری است. برای تحصیل مقصود در این پژوهش با شیوه توصیفی - تحلیلی ابتدا ضرورت و پیشینه تقنینی تعیین شرایط رئیس‌جمهور ارزیابی شده و در ادامه با توجه به متصور بودن فروض مختلف در خصوص صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تعیین شرایط رئیس‌جمهور، ادله مخالفان در بخش دوم تحلیل و بررسی و در بخش سوم ادله موافقان که منطبق با نظر مختار نویسندگان است، بیان شده است.

۱. ضرورت و پیشینه تقنینی تعیین شرایط رئیس‌جمهور

امروزه برگزاری انتخابات از جمله مشروع‌ترین ابزار رسیدن به قدرت و رایج‌ترین شیوه کاربست اراده عمومی در نظام‌های مردم‌سالار است که شهروندان از طریق آن در تعیین متصدیان اعمال اقتدارات عمومی مشارکت می‌کنند (عمید زنجانی و موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۶۷). این در حالی است که باید توجه داشت نظام مردم‌سالار کارآمد، توسط هر فرد یا گروهی با هر درجه‌ای از لیاقت و توانایی شکل نخواهد گرفت؛ بلکه عقل و منطق حکم می‌کند که تمثیت امور عمومی جامعه در دست افراد شایسته، توانا، متخصص و کارآمد باشد. بنابراین امروزه دولت‌ها معمولاً برای انتخاب‌شوندگان شرایط سخت‌تری را در مقایسه با انتخاب‌کنندگان در نظر می‌گیرند و این شرایط به تناسب اهمیت نمایندگی موضوع انتخاب، متغیر است (تقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۸). بر این اساس بدیهی است هر کسی شایستگی نامزدی انتخابات را نخواهد داشت و وضع شروطی به‌منظور تشخیص واجدین شرایط امری ضروری است، زیرا در صورتی که برای انتخاب‌شوندگان هیچ شرطی در کار نباشد، هر فردی اعم از نوزاد و پیر، عاقل یا سفیه و مجنون، تبعه یا غیرتبعه و... حق داوطلب شدن در انتخابات را دارد که این در هیچ نظام حقوقی‌ای پذیرفتنی نیست. قبول این اصل منطقی مستلزم تعیین شرطی برای انتخاب‌شوندگان در قوانین اساسی یا عادی است که این شرایط و معیارها نیز خود تابعی از مطالبات ارزشی و اخلاقی عموم جامعه است (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۷: ۳۰).

باید توجه داشت به‌طور کلی اینکه قانون اساسی قواعد انتخابات را با تفصیل زیاد بیان کند یا تصویب آن‌ها را بر عهده قانونگذاران عادی قرار دهد، تصمیم سیاسی است که مؤسسان قانون اساسی یک کشور آن را اتخاذ می‌کنند؛ چراکه در تهیه و تنظیم قانون اساسی، جز ملاک‌های نظری، ضوابط و معیارهای مشخصی وجود ندارد تا بتوان آنچه را که در متن گنجانده شده، معین و مشخص کرد و در نتیجه، هر کشور با توجه به اقتضای شرایط سیاسی خود، کم و

کیف موضوعات مندرج در قانون اساسی خود را تعیین می‌کند (قاضی، ۱۳۸۳: ۱۰۸). برای مثال در برخی از قوانین اساسی کشورها علاوه بر ذکر موضوعات کلان انتخابات از جمله حق رأی، نوع نظام انتخاباتی، مرجع نظارت بر انتخابات و چگونگی تعیین حدود حوزه‌های انتخاباتی، برخی از شرایط انتخاب‌شوندگان از جمله سن نیز تعیین شده است (لوئیس ماسکیو و آندره بلز، ۱۳۹۰: ۵۲۳).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تعیین شرایط انتخاب‌شوندگان رویکرد دوگانه‌ای را اتخاذ کرده و برخی از شرایط انتخاب‌شوندگان را در این قانون تصریح کرده و برخی دیگر را به قانون عادی احاله داده است. برای مثال مطابق اصل ۶۲ قانون اساسی^۱، تعیین شرایط نمایندگان مجلس، به مجلس شورای اسلامی واگذار شده، ولی شرایط مقام رهبری، رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضاییه وفق اصول ۱۰۹^۲، ۱۱۵ و ۱۵۷^۳ در قانون اساسی مشخص شده است.

به موجب اصل ۱۱۵ قانون اساسی: «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حُسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور». تعیین شرایط رئیس‌جمهور در اصل مذکور به برداشت‌ها و تفاسیر گوناگونی منجر شده است. به عبارت دیگر، بنابر یک فرض می‌توان شرایط مصرح در اصل مذکور را حصری قلمداد کرد که بر این اساس مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند شرایط جدیدی را به این اصل اضافه کند و براساس فرض دوم شرایط بیان‌شده در اصل ۱۱۵ تمثیلی است و مجلس شورای اسلامی می‌تواند با استناد به اصل ۷۱ قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات مصوب ۱۳۹۵/۰۷/۲۴ شرایط عمومی را تعیین کرده و در جهت تبیین شرایط اختصاصی مصرح در اصل ۱۱۵ قانونگذاری کند.

با بررسی و تتبع در مصوبات مجلس شورای اسلامی درمی‌یابیم این نهاد در ادوار مختلف برحسب وظیفه ذاتی خود و به موجب اصل ۷۱ قانون اساسی، بر آن بوده است تا برخی شرایط مذکور در اصل ۱۱۵ قانون اساسی را تعریف کرده و برای آن‌ها ضابطه و معیار ارائه دهد یا درصد تعیین برخی شرایط عمومی داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری بوده است.^۴ برای مثال می‌توان به دو شرط «سن» و «محرومیت از حقوق اجتماعی» در «لایحه شماره ۸۹۳۴ مورخ ۱۳۶۰/۰۴/۱۰ دولت در خصوص انتخاب رئیس‌جمهور کشور جمهوری اسلامی ایران»^۵، شرایط «سلامت جسمی در حد برخوردار از نعمت بینایی و شنوایی و گویایی و توانایی در حد ایفای وظایف ریاست جمهوری» و «عدم محرومیت از حقوق اجتماعی» در «لایحه شماره

۹۵۵۵۸ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۴ دولت در خصوص انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران^۶ و شرط مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد در « طرح یک‌فوریتی اصلاح مواد ۳۵ و ۵۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی^۷» اشاره کرد. این در حالی است که رویه‌ی شورای نگهبان نشان از این دارد که تا پیش از اظهارنظر در خصوص «طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۲۱»، هرگونه قانونگذاری مجلس شورای اسلامی در تعیین شرایط رئیس‌جمهور را مغایر با اصول قانون اساسی از جمله اصل ۱۱۵ و بند ۹ اصل ۱۱۰ اعلام کرده است.^۸

در حال حاضر نیز آنچه در خصوص شرایط نامزدهای ریاست جمهوری در قوانین و مقررات انتخاباتی قابل مشاهده است، همان شرایط مصرح در اصل ۱۱۵ قانون اساسی است که در ماده ۳۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ مجلس شورای اسلامی، عیناً تکرار شده است.^۹

۲. رویکرد مخالف صلاحیت مجلس

در مخالفت با تفصیل و تبیین شرایط رئیس‌جمهور توسط مجلس شورای اسلامی می‌توان به ادله زیر استناد کرد:

۲-۱. قرینه اصل ۶۲ قانون اساسی

به موجب اصل ۶۲ قانون اساسی، شرایط انتخاب‌شوندگان را «قانون» معین خواهد کرد.^{۱۰} با توجه به اصل ۵۸ قانون اساسی^{۱۱} و صلاحیت مجلس در اعمال قوه مقننه، معنای عرفی و تبادل ابتدایی از واژه «قانون» در این اصل، قانون مصوب مجلس شورای اسلامی است (آیین نگینی، ۱۳۹۸: ۱۴۱)، بنابراین اولاً شرایط نمایندگی مجلس شورای اسلامی باید براساس قانون مصوب این نهاد تعیین شود و این شرایط را نمی‌توان با سایر هنجارهای حقوقی از جمله آیین‌نامه، بخشنامه و دستورالعمل تعیین کرد؛ ثانیاً مجلس شورای اسلامی در این زمینه صلاحیت تکلیفی دارد و نمی‌تواند از این تکلیف قانونی سرباز زند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دلیل اهمیت و جایگاه منصب ریاست جمهوری، شرایط احراز آن در اصل ۱۱۵ مقرر شده (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۳۲۰) و ظاهر و نص عبارت اصل، دال بر حصر شرایط مذکور است. به عبارت دیگر در صورتی که قانونگذار اساسی اراده‌ای مبنی بر تعیین شرایط رئیس‌جمهور توسط قانون عادی را داشت، همچون اصل ۶۲ قانون اساسی در تجویز تعیین شرایط نمایندگی مجلس، تعیین شرایط رئیس‌جمهور را نیز به قانون عادی احاله می‌داد. به موجب این استدلال، مجلس حتی در مقام تعیین مصداق و تبیین شرایط

و جعل ضابطه نیز حق ورود به تبیین شرایط مصرح در اصل ۱۱۵ را ندارد. تتبع و تدقیق در برخی از نظرهای شورای نگهبان نشان از این دارد که این شورا نیز به‌عنوان نهاد دادرسی اساسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، تضییق یا توسعه شرایط رئیس‌جمهور توسط مجلس شورای اسلامی را مغایر قانون اساسی اعلام کرده است. برای نمونه شورای نگهبان در نظر شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۱ مورخ ۸۷/۹/۱۱ در خصوص «طرح اصلاح مواد ۳۵ و ۵۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن»^{۱۲} شرایط مذکور در اصل ۱۱۵ قانون اساسی را حصری تلقی کرد و از آن‌جا که شرایط تعیین‌شده اصل ۱۱۵ قانون اساسی در مصوبه مجلس شورای اسلامی تضییق یا توسعه داده شده بود، خلاف اصل مذکور اعلام کرد.^{۱۳}

۲-۲. بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی

با توجه به اینکه در قانون اساسی، از یک سو در اصل ۱۱۵ شرایطی برای احراز پست ریاست جمهوری بیان شده و از سوی دیگر، در بند ۹ اصل ۱۱۰ در مقام بیان نحوه و مرجع صالح برای احراز صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری، به‌صراحت بیان شده است که احراز «شرایطی که در این قانون می‌آید» به عهده شورای نگهبان است، مشخص می‌شود که قانونگذار اساسی، شرایط نامزدی ریاست جمهوری را منحصر به قانون اساسی اعلام کرده است. از سوی دیگر، به موجب بند مذکور تأیید صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری بر عهده شورای نگهبان است و مجلس حتی در مقام تعیین مصداق و تبیین شرایط و جعل ضابطه نیز حق ورود به تبیین این شرایط را ندارد؛ چه آنکه در این صورت، مجلس شورای اسلامی در جایگاهی که قانون اساسی به شورای نگهبان در مقام احراز صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری اعطا کرده، قرار گرفته است.

۲-۳. قرینه اصل ۱۱۶ قانون اساسی

به موجب اصل ۱۱۶ قانون اساسی، نامزدهای ریاست جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند. نحوه برگزاری انتخاب رئیس‌جمهوری را قانون معین می‌کند. با عنایت به عبارت ذیل این اصل که بیان می‌کند «نحوه برگزاری انتخاب رئیس‌جمهوری را قانون معین می‌کند»، قانونگذار اساسی صرفاً نحوه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را قابل تقنین توسط قانونگذار عادی اعلام کرده و هیچ اشاره‌ای به امکان قانونگذاری عادی در خصوص شرایط انتخاب‌شوندگان نکرده است که سکوت در مقام بیان تلقی می‌شود. به عبارت دیگر مطابق این نظر، عبارت «نحوه برگزاری» از تعیین شرایط رئیس‌جمهور توسط مجلس شورای اسلامی انصراف دارد و مجلس شورای اسلامی

می‌تواند کلیه امور مربوط به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری از جمله تمامی مراحل رسیدگی به صلاحیت داوطلبان، تبلیغات نامزدهای انتخابات، جرائم و تخلفات، شکایات و نحوه رسیدگی و مانند این‌ها را مشخص کند و نمی‌تواند متعرض تعیین شرایط نامزدهای انتخابات شود.

۲-۴. مشروح مذاکرات مربوط به تصویب اصل ۱۱۵ قانون اساسی

مباحث مطرح در مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در زمان بررسی اصل ۱۱۵، قرینه دیگری مبنی بر حصر شرایط مندرج در اصل مزبور برای احراز پست ریاست جمهوری دارد؛ چه آنکه در ابتدای بررسی این اصل، شرایط بسیار کمتری برای ریاست جمهوری مقرر شده بود که نمایندگان با ناکافی دانستن این شرایط، مورد به مورد اقدام به اضافه کردن شرایط جدید کردند، بنابراین تمامی شرایط لازم برای رئیس‌جمهور در اصل ۱۱۵ بیان شده است. توضیح آنکه در اصل ۷۶ پیش‌نویس قانون اساسی تنها دو شرط برای رئیس‌جمهور مقرر شده بود: «رئیس‌جمهوری باید مسلمان و ایرانی‌الاصل و تابع ایران باشد» (راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸: ۱۳). در جلسه شصت و چهارم مجلس بررسی نهایی قانون اساسی بدون آنکه عبارت «رجال دینی و سیاسی» جزء شرایط رئیس‌جمهور بیان شده باشد، اصل بدین‌نحو تنظیم شده بود: «رئیس‌جمهور باید ایرانی‌الاصل تابع ایران، دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن مؤمن به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مرد و دارای حسن سابقه و امانت و تقوی باشد» (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۱۷۶۶) و پس از آنکه در این جلسه این اصل به تصویب نمایندگان نرسید، در نهایت در جلسه شصت و پنجم با اضافه کردن شرط «مدیر و مدبر» بودن برای رئیس‌جمهور، اصل ۱۱۵ به شکل فعلی به تصویب نهایی اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی رسید (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۱۷۹۷). بنابراین مراد مقنن اساسی در تعیین شرایط رئیس‌جمهور، در خود قانون اساسی تعیین تکلیف شده است.

۲-۵. بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی

به موجب بند ۹ اصل ۳، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل ۲، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی امکانات عادلانه را ایجاد کرده و تبعیضات ناروا را رفع کند. بر همین اساس اضافه کردن شرایطی علاوه بر موارد مصرح در اصل ۱۱۵

به منزله محدود کردن دایره افراد واجد صلاحیت برای کاندیداتوری پست ریاست جمهوری است و موجب تبعیض ناروا میان افراد ملت و محروم کردن بسیاری از افراد واجد صلاحیت می‌شود و به همین دلیل مغایر بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی است. برای مثال اضافه کردن شرط سن از آن‌جا که افراد زیادی را از حق انتخاب شدن محروم می‌کند، مغایر با بند مذکور است. شورای نگهبان نیز در برخی از نظرهای خود تعیین برخی از شرایط برای رئیس‌جمهور توسط مجلس شورای اسلامی را مغایر با بند مذکور اعلام کرده است. برای مثال در تبصره ۱ ماده ۱ «طرح یک‌فوریتی اصلاح مواد ۳۵ و ۵۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن» مقرر شده بود انتخاب‌شوندگان باید مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر داشته باشند^{۱۴} که شورای نگهبان تبصره مذکور را به دلیل تبعیض ناروا مغایر با بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی اعلام کرد.^{۱۵}

۲-۶. بند ۵-۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات ۱۳۹۵/۰۷/۲۴

به موجب بند ۵-۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات، تعریف و اعلام معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است. بنابراین به موجب تصریح این بند از سیاست‌ها، نهاد دیگری به جز شورای نگهبان نمی‌تواند معیارها و ضوابطی را برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری ارائه دهد. شورای نگهبان نیز در برخی از نظرهای خود این موضوع را مورد توجه قرار داده است. برای نمونه این شورا در نظر شماره ۹۹/۱۰۲/۲۱۶۰۶ مورخ ۹۹/۱۱/۱۳ به دلیل آنکه مجلس شورای اسلامی در مصوبه خود معیارهای رجال مذهبی را تعیین کرده بود^{۱۶}، آن را مغایر با بند ۵-۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات اعلام کرد.^{۱۷}

۳. رویکرد موافق صلاحیت مجلس

در مقابل ادله ذکر شده و در موافقت با صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تفصیل و تبیین شرایط رئیس‌جمهور می‌توان به ادله زیر استناد کرد:

۳-۱. کیفی بودن شرایط رئیس‌جمهور

یکی از ادله‌هایی که ارائه معیار و ضابطه به منظور کمی و عینی نمودن شرایط رئیس‌جمهور توسط مجلس شورای اسلامی را تقویت می‌کند، کیفی بودن شرایط مصرح در اصل ۱۱۵ قانون اساسی است (کواکبیان، ۱۳۹۶: ۵۱). شایان ذکر است ابتدای این رویکرد مبنی بر حذف شرایط کیفی نیست، چراکه نظام جمهوری اسلامی ایران نظامی است که بر پایه اعتقاد به اصول دین

اسلام و مذهب شیعه بنیانگذاری شده است و بدیهی است مدیران سیاسی نظام باید معتقد به این مبانی باشند تا بتوان به بقای نظام امیدوار بود (هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۶۹).

در نظام حقوق اساسی برخی از کشورهای اسلامی دیگر نیز برای رئیس‌جمهور شروط اسلامی لحاظ شده است تا در حیطه دولت-کشور خود از اسلام صیانت کنند. برای مثال در کشورهای الجزایر، افغانستان و پاکستان نیز نامزد ریاست جمهوری باید مسلمان باشد (آجرلو و بهادری جهرمی، ۱۳۹۵: ۱۷۲)، اما باید پذیرفت مقام ریاست جمهوری مقامی صرفاً سیاسی نیست و عالی‌ترین مقام اداری نیز محسوب می‌شود که اداره خدمات عمومی را نیز بر عهده دارد (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۶: ۶). برای مثال به موجب اصل ۱۲۶ قانون اساسی، رئیس‌جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد.^{۱۸} بنابراین از آنجا که تصمیم‌های اداری برخلاف تصمیم‌های سیاسی بیشتر جنبه‌های فنی و تخصصی دارند (ابوالحمد، ۱۳۸۸: ۴۸)، لازم است شرایط رئیس‌جمهور به‌نحوی تعیین شود تا علاوه بر شرایط کیفی و اعتقادی از جمله «امانت»، «تقوا»، «ایمان» و «معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران»، متضمن صلاحیت‌های فنی و تخصصی نیز باشد.

از بهترین راه‌های تشخیص این امر ملاحظه عملکرد مدیریتی و تجربه کاری داوطلبان ریاست جمهوری است (مهرپور، ۱۳۹۱: ۲۹۱) که این امر جز با کمی کردن خصوصیت مذکور محقق نخواهد شد. بنابراین نهاد قانونگذاری کشور مسئولیت دارد به‌منظور اجرای هرچه مطلوب‌تر مفاد اصول قانون اساسی و از جمله اصل ۱۱۵ مبادرت به کمی کردن شرایط کیفی و شفاف کردن شرایط مذکور در چارچوب اصل ۱۱۵ کند تا اقتضائات عملی و اجرایی اصل مذکور فراهم شود (مشفق، ۱۳۹۶: ۸۵). به‌طور کلی در صورتی که شرایط انتخاب‌پذیری، عینی و قابل احراز نباشد، امنیت حقوقی شهروندان خدشه‌دار خواهد شد.

منحصر بودن شرایط نامزدهای ریاست جمهوری در شرایط کیفی این امکان را از نامزدهای انتخابات سلب خواهد کرد تا وضعیت خود را به لحاظ انتخاب‌پذیری ارزیابی کنند، زیرا همواره ممکن است نهاد ناظر، برداشتی مغایر با تلقی آن‌ها داشته باشد (تقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۷۹). اقدام مجلس شورای اسلامی و عدم ایراد شورای نگهبان به کمی کردن برخی از این شرایط دلیلی بر این ادعاست. برای مثال مجلس شورای اسلامی در تبصره ۳ ماده ۱ طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۲۱ به‌منظور ارزیابی شرط «حسن سابقه» مصرح در اصل ۱۱۵ قانون اساسی مقرر کرده بود: «داوطلبان ریاست جمهوری موظف‌اند به هنگام ثبت‌نام، سوابق قابل ارزیابی در خصوص تصدی مسئولیت‌ها و مدیریت‌های محوله را ارائه دهند» که شورای نگهبان نیز این الزام را مغایر با قانون اساسی اعلام نکرد.

۲-۳. تأمین حقوق داوطلبان ریاست جمهوری

امروزه از سویی دولت‌ها معمولاً برای انتخاب‌شوندگان شرایط سخت‌تری را در مقایسه با انتخاب‌کنندگان در نظر می‌گیرند و این شرایط به تناسب اهمیت نمایندگی موضوع انتخاب، متغیر است (تقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۸)؛ از سوی دیگر تعیین شرایط در یک نظام حقوقی، هنگامی کارآمد خواهد بود که شرایط تعیین‌شده با خصوصیات و ویژگی‌های هریک از داوطلبان انطباق داده شود و از ورود افراد فاقد صلاحیت‌های قانونی، به رقابت‌های انتخاباتی جلوگیری شود (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۷: ۳۷۲)؛ اما تعیین شرایط باید مبتنی بر اصل برابری افراد در دسترسی به مناصب حکومتی و حق برابر افراد در تعیین سرنوشت اجتماعی و اصل عدم هرگونه تبعیض ناروا باشد (خسروی، ۱۳۸۷: ۲۴۳).

با توجه به پذیرش اوصاف و شرایط مذکور در اصل ۱۱۵ قانون اساسی، به نظر می‌رسد به هر میزان که این شرایط قابل سنجش و دارای معیارهای عینی و مشخص باشد، حقوق داوطلبان در مقام تأیید یا رد صلاحیت آن‌ها توسط نهاد ناظر یعنی شورای نگهبان^{۱۹} بیشتر تأمین می‌شود و رد صلاحیت‌ها براساس قواعد و معیارهای مشخص و قابل ارزیابی صورت می‌گیرد (مشفق، ۱۳۹۶: ۸۷). به عبارت دیگر مادامی که نهاد ناظر تنها براساس معیارهای کیفی به تأیید یا رد صلاحیت نامزدهای انتخابات مبادرت ورزد، به لحاظ ماهیت شرایط کیفی، عدم اعمال سلیقه دور از ذهن نخواهد بود. ازاین‌رو اگر فردی از آحاد مردم که صلاحیت لازم را برای تصدی پست ریاست جمهوری دارد و فرصت انتخاب شدن از وی گرفته شود، این حق که به‌مثابه حق‌الناس است، تضییع شده است (رضایی‌زاده و داوری، ۱۳۹۵: ۱۲۲). رهبر معظم انقلاب نیز این امر را مورد توجه قرار داده‌اند: «یکی از حقوق مردم، رعایت حق این داوطلبی است که می‌آید و وارد این میدان می‌شود و نامزد انتخابات می‌شود که اگر آدم صالحی است، ما او را رد نکنیم، میدان بدهیم به اینکه او بیاید» (بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۴). بندهای متعدد سیاست‌های کلی انتخابات نیز مؤید آن است که سازوکارهای بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات باید شفاف و اطمینان‌بخش باشد.^{۲۰}

بر همین اساس یکی از مصادیق اصلی تعیین سازوکارهای شفاف در بررسی صلاحیت‌های نامزدهای ریاست جمهوری وجود شرایط کمی و عینی است تا شورای نگهبان به تکلیف خود در بررسی صلاحیت‌ها اقدام کند. به نظر می‌رسد هرچه این نهاد بتواند با ادله عینی و شفاف، دلایل رد یا عدم احراز صلاحیت نامزدهای انتخابات را به آن‌ها اعلام کند، رعایت کامل بی‌طرفی خود از نامزدها را که مورد تأکید سیاست‌های کلی انتخابات نیز است^{۲۱}، به اثبات رسانده است، چراکه اعلام عدم احراز شرایط نامزدهای انتخابات باید در چارچوب قانون و

مستند به مدارک و اسناد معتبر باشد و بررسی این شروط و اعلام خلاف آن به صورت کلی و بدون مستندات معتبر یا دلایل مرتبط با موضوع صحیح نیست (حبیب‌نژاد، ۱۳۹۰: ۸). دلیل دیگر که می‌تواند در جهت تأمین حقوق داوطلبان از حیث کمی و عینی کردن شرایط مورد توجه قرار گیرد، آن است که رد صلاحیت داوطلبان در حقوق افراد، اثر بسزایی خواهد داشت (عطریان، ۱۳۹۶: ۱۴۴) و به‌کارگیری اصطلاحات مبهم و غیرقابل ارزیابی سبب می‌شود با تغییر نهاد ناظر همواره تغییر نتیجه رسیدگی به صلاحیت‌ها امکان‌پذیر شود (تقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۷۹).

۳-۳. بند ۱۰-۱ سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی ۱۳۹۵/۰۷/۲۴

در بند ۱۰-۱ سیاست‌های کلی انتخابات مقرر شده است: «تعیین دقیق معیارها و شاخص‌ها و شرایط عمومی و اختصاصی داوطلبان در چارچوب قانون اساسی با تأکید بر کارآمدی علمی، جسمی و شایستگی متناسب با مسؤولیت‌های مربوط و تعهد به اسلام، انقلاب و نظام اسلامی و قانون اساسی به‌ویژه التزام به ولایت‌فقیه و سلامت اخلاقی - اقتصادی». با توجه به ادله ذیل می‌توان از این بند از سیاست‌ها تعیین شرایط عمومی توسط مجلس شورای اسلامی را استنباط کرد. اولاً واژه «داوطلبان» در این بند از سیاست‌ها اطلاق داشته و اطلاق آن شامل همه انتخابات از جمله انتخابات ریاست جمهوری نیز می‌شود؛ ثانیاً ذکر «شرایط عمومی و اختصاصی داوطلبان» نشان از این دارد که داوطلبان هر انتخابات دارای یک سری شرایط عمومی و شرایط اختصاصی‌اند که باید در چارچوب قانون اساسی تعیین شوند. بنابراین به موجب این گزاره می‌توان گفت که شرایط مصرح در اصل ۱۱۵، شرایط اختصاصی (با توجه تصریح آن توسط مقنن اساسی) داوطلبان ریاست جمهوری است و از آن‌جا که همه قوا و نهادهای حکومتی در حدود صلاحیت و وظایفشان باید تلاش خود را در جهت تحقق این سیاست‌ها معطوف دارند (طحان‌نظیف، ۱۳۹۶: ۴۲)، مجلس می‌تواند شرایط عمومی داوطلبان را تعیین کند.

ثالثاً در صدر این بند از سیاست‌ها تصریح شده است «تعیین دقیق معیارها و شاخص‌ها»؛ با بررسی اصل ۱۱۵ می‌توان دریافت که برخی از شروطی که در این اصل به‌کار رفته نیازمند ارائه دقیق معیار و شاخص است. برای مثال یکی از شرایط رئیس‌جمهور، «مدیر و مدبر بودن» است. حال سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که با چه معیار و ضابطه‌ای می‌توان این صفت را در نامزدهای ریاست جمهوری احراز کرد؟ به نظر می‌رسد یکی از اقداماتی که به‌منظور اجرایی کردن این بند از سیاست‌ها می‌تواند انجام گیرد، ارائه ضابطه دقیق و عینی توسط مجلس شورای اسلامی، به‌منظور تشخیص و احراز آن در نامزدهای ریاست جمهوری است.

رابعاً مطابق این بند از سیاست‌ها، شرایط عمومی و اختصاصی داوطلبان باید به‌نحوی قاعده‌گذاری شود که با تأکید بر کارآمدی علمی، جسمی و شایستگی متناسب با مسؤولیت‌های مربوط باشد.

با تتبع و بررسی نظر اخیر شورای نگهبان در خصوص «طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۲۱ می‌توان گفت که این نهاد رویه سابق خود را تغییر داده و مجلس شورای اسلامی در این زمینه با محدودیتی مواجه نیست. برای مثال در لایحه انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۶۰ از جمله شرایط داوطلبان ریاست جمهوری داشتن حداقل ۳۰ سال سن مقرر شده بود^{۲۲} که شورای نگهبان در نظر شماره ۲۰۹۷ مورخ ۱۳۶۰/۴/۱۵ این شرط را مغایر با اصل ۱۱۵ قانون اساسی اعلام کرد^{۲۳}؛ اما این نهاد تصریح شروط عمومی داوطلبان ریاست جمهوری از جمله داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد، حداقل سن چهل سال و حداکثر سن هفتاد سال، برخورداری از سلامت و توانایی جسمی و روانی کافی، جهت ایفای مسئولیت ریاست جمهوری، داشتن کارت پایان خدمت یا معافیت دائم قانونی و... در طرح مذکور را مغایر با قانون اساسی اعلام نکرد.^{۲۴}

شایان ذکر است از جمله دلایل عدول شورای نگهبان از نظرهای سابق خود در خصوص صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تعیین شرایط ثبت نام داوطلبان ریاست جمهوری، می‌توان به ابلاغ سیاست‌های کلی انتخابات در تاریخ ۱۳۹۵/۰۷/۲۴ توسط مقام معظم رهبری اشاره کرد (طحان نظیف، ۱۴۰۰: ۱)، البته با اینکه شورای نگهبان شرایط عمومی مذکور را مغایر با قانون اساسی اعلام نکرد، هیأت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام تعیین این شرایط توسط مجلس شورای اسلامی را در «طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۲۱ مغایر با سیاست‌های کلی انتخابات اعلام کرد.^{۲۵}

۳-۴. ضرورت وجود شرایط جهت ثبت نام داوطلبان ریاست جمهوری

به موجب اصل ۱۱۳ قانون اساسی، پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد. بنابراین کسانی باید بتوانند در معرض انتخاب شدن قرار گیرند که شرایط حداقلی کسب این منصب را داشته باشند. سهولت ثبت نام نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری می‌تواند مشکلات متعددی را برای نهاد مجری و ناظر بر انتخابات ایجاد کند و ممکن است موجب وهن جایگاه مهم ریاست جمهوری شود (رستمی و موسی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۳۶).

عدم محدودیت در ثبت نام داوطلبان ریاست جمهوری در جریان برگزاری اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری نیز وجود داشت؛ اما وزارت کشور برای جلوگیری از نابسامانی و هرج و مرج در جریان ثبت نام و به منظور ایجاد محدودیت در ثبت نام داوطلبان، پیشنهاد داده بود در متن لایحه قانونی انتخاب اولین رئیس‌جمهور کشور موادی گنجانده شود تا براساس آن هر داوطلب به‌عنوان

شرط مقدماتی ثبت نام امضای حداقل ۱۰۰ نفر از گروه‌هایی همانند استادان دانشگاه، قضات دادگستری، روحانیان مطرح و... را در تأیید صلاحیت خود جمع‌آوری کند؛ اما شورای انقلاب به دلیل شرایط خاص کشور و کمبود زمان از یک سو و سازوکار در نظر گرفته شده برای تأیید و رد صلاحیت‌ها در قانون اساسی از سوی دیگر، با این شرط مخالفت کرد. از این رو همه افراد بدون هیچ محدودیتی حق ثبت نام داشتند (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۷: ۱۷۱)، هرچند شروطی همچون شرط سنی و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان شرط نامزدی انتخابات ریاست جمهوری به شروط مندرج در اصل ۱۱۵ قانون اساسی اضافه شده بود.^{۲۶}

بررسی ادوار برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در سال‌های اخیر نیز نشان از این دارد که به دلیل فقدان و خلأ معیارهای حداقلی برای ثبت نام نامزدها با انبوهی از ثبت نام‌کنندگان مواجه بوده‌ایم. برای مثال در دوره دهم ۴۷۵ نفر، دوره یازدهم ۶۸۶ نفر و در دوره دوازدهم ۱۶۳۶ نفر به عنوان داوطلب ثبت نام کردند (بهادری جهرمی و باقری خوزانی، ۱۳۹۷: ۵۳). در حال حاضر به موجب ماده ۵۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران پس از انتشار دستور شروع انتخابات، داوطلبان ریاست جمهوری یا نمایندگان تام‌الاختیار آن‌ها می‌توانند ظرف پنج روز به وزارت کشور مراجعه کنند و تنها با ارائه چهار برگ تصویر کلیه صفحات شناسنامه و دوازده قطعه عکس ۶×۴ از آخرین عکس خود همان سال، در انتخابات ریاست جمهوری ثبت نام کنند.^{۲۷}

با تدقیق در سیاست‌های کلی انتخابات می‌توان دریافت این خلأ در نظام حقوقی مورد توجه قرار گرفته است. به موجب بند ۲-۱۰ این سیاست‌ها، باید توانایی و شایستگی داوطلبان به شیوه‌های مناسب قانونی و متناسب با هر انتخابات در مرحله ثبت نام شناسایی شود.^{۲۸} بنابراین مستفاد از این بند از سیاست‌ها، اولاً قانونگذار عادی باید شرایطی را برای مرحله «ثبت نام» تعیین نماید تا توانایی و شایستگی داوطلبان را مورد سنجه قرار دهد. ثانیاً عبارت «هر انتخابات» عبارت کلی و عام است و شامل همه انتخاباتی که برگزار می‌شود، می‌گردد. ثالثاً تصریح و ظاهر عبارت «شیوه‌های مناسب قانونی» بیانگر تعیین ملاک و ضابطه جهت ثبت نام نامزدهای انتخابات است که این امر جز با ورود مقنن عادی محقق نخواهد شد.

نکته دیگری که باید مورد توجه قرار داد آن است که شورای نگهبان، بررسی و احراز صلاحیت نامزدهای انتخابات را پس از ثبت نام آن‌ها انجام می‌دهد؛ بنابراین تعیین شرایط ثبت نام نامزدهای ریاست جمهوری در تراحم یا تعارض صلاحیت این نهاد نیز نیست تا مورد اشکال قرار گیرد.

یکی دیگر از ادله‌ای که می‌توان به جواز تعیین شرایط ثبت نام اولیه توسط مجلس شورای اسلامی حکم داد، اصل ۱۱۶ قانون اساسی است. به موجب این اصل نامزدهای ریاست

جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند. اعلام «رسمی آمادگی»، اقدام به ثبت نام در مهلت قانونی تعیین شده از سوی وزارت کشور است (مهریور، ۱۳۹۱: ۲۸۸). به عبارت دیگر در صورتی که اثری حقوقی بر اعلام رسمی نامزدی انتخابات متصور نباشیم، اصل مذکور عبث و خالی از فایده خواهد بود. بنابراین قدر متیقن آن است که مجلس شورای اسلامی بتواند شرایطی را برای اعلام رسمی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری تعیین نماید. مؤید این برداشت، آخرین تلقی و برداشت شورای نگهبان به عنوان نهاد دادرسی اساسی در مقام تطبیق مصوبات مجلس شورای اسلامی با شرع و قانون اساسی است؛ در تبصره ۳ ماده ۱ طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۲۱ مقرر شده بود داوطلبان ریاست جمهوری موظف‌اند «به هنگام ثبت نام»، سوابق قابل ارزیابی در خصوص تصدی مسئولیت‌ها و مدیریت‌های محوله را ارائه دهند که شورای نگهبان این شرط را مغایر با قانون اساسی اعلام ننمود.

۳-۵. سکوت، اجمال و ابهام در برخی از تعاریف ارائه شده توسط شورای نگهبان

همان‌طور که اشاره شد، یکی از ادله مخالفان تعیین شرایط رئیس‌جمهور توسط مجلس شورای اسلامی، بند ۵-۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات است. به موجب این بند، تعریف و اعلام معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است.^{۲۹} به همین دلیل مخالفان، تعیین شرایط را به‌طور کلی از مجلس شورای اسلامی سلب می‌کنند. در مقام پاسخ به این اشکال باید بیان کرد: اولاً پیش‌بینی چنین تکلیفی برای شورای نگهبان در سیاست‌های کلی انتخابات نشان از این دارد که نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران تا پیش از این در تعیین ضوابط و معیارهای لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن با شفافیت مواجه نبوده و در جهت رفع آن برآمده است.^{۳۰} در زمان بررسی اصل ۱۱۵ نیز برخی از اعضای مجلس بررسی نهایی قانون اساسی بر این عقیده بودند که شرایط مذکور در این اصل باید واضح و دقیق بیان شود. برای نمونه آقای فاتحی در جلسه شصت و چهارم بیان می‌کنند: «به نظر من این اصلی که به این صورت تنظیم شده باید یک مقداری روشن‌تر ذکر شود» (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۱۷۷۰).

ثانیاً در این بند از سیاست‌ها، تعیین همه شروط لازم برای رئیس‌جمهور مقرر نشده و تنها معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است. بنابراین بنا به دلایل پیش‌گفته از جمله بندهای ۱-۱۰، ۲-۱۰ و مفهوم مخالف بند ۵-۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات، قدر متیقن آن است که مجلس شورای اسلامی می‌تواند نسبت به تعیین سایر شروطی که بر عهده شورای

نگهبان قرار نگرفته است، قانونگذاری کند.

ثالثاً ماهیت مصوبه شورای نگهبان در تعریف و اعلام معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی مشخص نیست. به عبارت دیگر، با توجه به جایگاه و صلاحیت‌های شورای نگهبان که منبعث از قانون اساسی است^{۳۱}، نمی‌توان برداشت درستی از این مصوبه داشت. مصوبه‌ای که در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۰ به تصویب شورای نگهبان رسیده است، نه آیین‌نامه داخلی این نهاد و نه نظر تفسیری است. بنابراین سؤالی که در مواجهه با این مصوبه به ذهن متبادر می‌شود، این است که میزان الزام آن برای سایر دستگاه‌ها و نهادها از جمله خود شورای نگهبان چیست؟ به نظر می‌رسد شورای نگهبان باید در این زمینه تعیین تکلیف کند. از سوی دیگر با تتبع و بررسی در مفاد این مصوبه به این نتیجه می‌رسیم که همچنان در تعریف برخی از واژه‌های مذکور در اصل ۱۱۵ قانون اساسی با سکوت یا اجمال مواجهیم. برای نمونه شورای نگهبان در مصوبه خود از اعلام نظر در خصوص معنای لفظ «رجل» خودداری کرده است. بنابراین مجدداً یا باید از شورای نگهبان درخواست استفسار کرد یا اینکه از مجلس شورای اسلامی خواست تا با تقنین خلأ موجود را پر کند (طحان نظیف و مطیعی، ۱۳۹۹: ۶۳).

مثال دیگری که در تأیید این برداشت می‌توان بیان کرد، ماده ۲ مصوبه شورای نگهبان است.^{۳۲} در ماده ۲ مصوبه مذکور «سن متناسب با انجام مسئولیت‌های ریاست جمهوری» و «صلاحیت علمی لازم جهت ایفای وظایف ریاست جمهوری» یا نوع و مختصات برنامه یا مشاورانی که در همین ماده به آن اشاره شده است نیازمند تعیین جزئیات آن توسط قانون است. در تبصره ۲ همین ماده صراحتاً مقرر شده است: «موارد مذکور در ماده ۲، اماره‌ای مبنی بر شناسایی اولیه توانایی و شایستگی داوطلبان در مرحله ثبت‌نام بوده و اعتراض داوطلبان نسبت به عدم ثبت‌نام آنان، در شورای نگهبان مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت». چنین حکمی به معنای آن است که اولاً این شرایط باید هنگام ثبت‌نام قابل ارزیابی باشد و بدون تدقیق این شرایط چنین ارزیابی‌ای صورت نخواهد گرفت؛ ثانیاً این شرایط باید هنگام ثبت‌نام توسط وزارت کشور شناسایی شود و در نهایت اگر فردی اعتراض داشت، اعتراض وی در شورای نگهبان رسیدگی خواهد شد. بنابراین اگر این شرایط برای مثال «سن متناسب» یا «صلاحیت علمی لازم» به موجب قانون مشخص نشود، آیا می‌توان مطابق تبصره ۲ ماده ۲ اظهارنظر شورا توقع شناسایی این شرایط هنگام ثبت‌نام را داشت؟ به‌طور قطع این حکم در صورتی قابل تحقق است که مجلس حدود و ثغور معیارها و شاخص‌های اعلامی از سوی شورای نگهبان را پیش‌بینی کرده باشد (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۹: ۴).

نتیجه‌گیری

در مقام جمع‌بندی و نتیجه‌گیری دستاوردهای پژوهش حاضر باید گفت مبتنی بر یک رویکرد، شرایط مذکور در اصل ۱۱۵ قانون اساسی حصری است و مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند در مقام توسعه و یا تضییق این شرایط قانونگذاری نماید. از جمله ادله‌ای که در اثبات این رویکرد می‌توان به آن‌ها اشاره کرد عبارت‌اند از: قرینه اصل ۶۲، بند ۹ اصل ۱۱۰، اصل ۱۱۶، بند ۹ اصل ۳، مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در خصوص اصل ۱۱۵ و بند ۵-۱ سیاست‌های کلی انتخابات؛ اما در مقابل با استناد به کیفی بودن شرایط مصرح در اصل ۱۱۵، تأمین حقوق داوطلبان ریاست جمهوری، بندهای متعدد سیاست‌های کلی انتخابات از جمله بندهای ۱۰، ۱-۱، ۲-۱، ۱-۱، ۱۱-۱ می‌توان گفت مجلس شورای اسلامی می‌تواند به استناد اصل ۷۱ قانون اساسی، علاوه بر تعیین شرایط عمومی رئیس‌جمهور، معیارها و شاخص‌های شرایط رئیس‌جمهور را در چارچوب اصل ۱۱۵ و سایر اصول این قانون به شکل دقیق تعیین کند. رویه شورای نگهبان به‌عنوان نهاد دادرسی اساسی در سال‌های قبل نشان از این دارد که این نهاد، شرایط مصرح در اصل ۱۱۵ قانون اساسی را حصری دانسته و در مقام تطبیق مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی، مصوباتی را که در جهت اضافه کردن برخی شرایط به اصل مذکور بوده است، مغایر با قانون اساسی اعلام کرده است؛ اما با مطالعه اظهارنظر شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۲۱، می‌توان استنباط کرد که پس از سال‌ها، حصری نبودن شرایط رئیس‌جمهور به موارد مصرح در اصل ۱۱۵ قانون اساسی با رعایت قیودی پذیرفته شده و با اختصاصی دانسته شدن شرایط مذکور در این اصل، مجلس در زمینه تعیین شرایط عمومی همچون حداقل و حداکثر سن، حداقل مدرک تحصیلی، نداشتن محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت در جرائم خاص (اقتصادی، انتخاباتی، امنیتی و...)، نداشتن سابقه استعمال یا اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان، کارت پایان خدمت یا معافیت و نظایر آن صالح دانسته شده است.

یادداشت‌ها

۱. اصل ۶۲ قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به‌طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.»
۲. اصل ۱۰۹ قانون اساسی: «شرایط و صفات رهبر:
 - ۱- صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه.
 - ۲- عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام.
 - ۳- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.
 در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد مقدم است.»
۳. اصل ۱۵۷ قانون اساسی: «به‌منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به‌عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است.»
۴. لایحه شماره ۸۹۳۴ مورخ ۱۳۶۰/۰۴/۱۰ دولت در خصوص انتخاب رئیس‌جمهور کشور جمهوری اسلامی ایران، لایحه شماره ۹۵۵۵۸ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۴ دولت در خصوص انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، طرح یک‌فوریتی اصلاح مواد ۳۵ و ۵۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی مصوب ۱۳۸۷/۸/۱۹ مجلس شورای اسلامی، طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۲۱.
۵. ماده ۱۰- انتخاب‌شوندگان باید دارای شرایط زیر باشند:
 - ۱- ...
 - ۶- مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.
 - ۷- دارای حداقل ۳۰ سال تمام سن، ملاک محاسبه سن داوطلب تاریخ اعلام داوطلبی می‌باشد.
 - ۸- عدم محرومیت از حقوق اجتماعی
 ۶. ماده ۳۵- انتخاب‌شوندگان هنگام ثبت‌نام باید دارای شرایط زیر باشند:
 - ۱- ...
 - ۸- سلامت جسمی در حد برخورداری از نعمت بینایی و شنوایی و گویایی و توانایی در حد ایفای وظایف ریاست جمهوری.
 - ۹- عدم محرومیت از حقوق اجتماعی
۷. ماده ۱- سه تبصره به شرح زیر به ماده ۳۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ الحاق می‌گردد:
 - تبصره ۱- انتخاب‌شوندگان علاوه بر شرایط فوق و دارا بودن مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر و یا معادل حوزوی آن، باید موقع ثبت نام سابقه تصدی حداقل یکی از مناصب زیر را داشته باشند:
 ۸. نظرات شماره: ۲۰۹۷ مورخ ۱۳۶۰/۰۴/۱۵، ۳۶۸۱ مورخ ۱۳۶۴/۰۳/۲۵ و شماره: ۳۰/۲۹۴۴۱ مورخ ۸۷/ ۱۳۸۷/۹/۱۱
 ۹. ماده ۳۵- انتخاب‌شوندگان هنگام ثبت‌نام باید دارای شرایط زیر باشند:
 - ۱- از رجال مذهبی، سیاسی.
 - ۲- ایرانی‌الاصل.
 - ۳- تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران.

- ۴- مدیر و مدبر.
- ۵- دارای حسن سابقه و امانت و تقوی.
- ۶- مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.
۱۰. اصل ۶۲ قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به‌طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.»
۱۱. اصل ۵۸ قانون اساسی: «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضاییه ابلاغ می‌گردد.»
۱۲. ماده ۱- سه تبصره به شرح زیر به ماده ۳۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ الحاق می‌گردد:
- تبصره ۱- انتخاب‌شوندگان علاوه بر شرایط فوق و دارا بودن مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر و یا معادل حوزوی آن، باید موقع ثبت نام سابقه تصدی حداقل یکی از مناصب زیر را داشته باشند:
۱۳. با توجه به اینکه اصل ۱۱۵ قانون اساسی در مقام بیان شرایط رئیس‌جمهور آن را احصاء کرده و تبصره‌های ۱ و ۳ ماده ۱ شرایط مذکور را تزییق با توسعه داده است و بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی نیز تأیید صلاحیت داوطلبان را از نظر دارا بودن شرایطی که در قانون اساسی آمده به عهده شورای نگهبان محول کرده است، بنابراین تبصره‌های مزبور مغایر اصول مذکور تشخیص داده شد.
۱۴. ماده ۱- سه تبصره به شرح زیر به ماده ۳۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ الحاق می‌گردد:
- تبصره ۱- انتخاب‌شوندگان علاوه بر شرایط فوق و دارا بودن مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر و یا معادل حوزوی آن، باید موقع ثبت نام سابقه تصدی حداقل یکی از مناصب زیر را داشته باشند...
۱۵. نظر شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۱ مورخ ۱۳۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان: «... علاوه بر این تبصره ۱ نسبت به کسانی که در حد اشخاص مذکور در مصوبه یا بالاتر از آنان در مواردی تبعیض ناروا و مغایر بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی است.»
۱۶. ماده ۲- یک ماده به شرح ذیل به‌عنوان ماده (۳۵ مکرر ۱) به قانون الحاق می‌شود: ماده ۳۵ مکرر ۱- احراز شروط جزء (۱) بند «الف» این قانون از طریق بررسی معیارهای زیر انجام می‌شود: الف) معیارهای رجال مذهبی: ۱- اعتقاد قلبی و اشتها به التزام عملی به ولایت مطلقه فقیه ۲- ثبات و استواری در اعتقاد و التزام به عقاید، احکام و اخلاق اسلامی از جمله انجام واجبات و تقید به ترک محرّمات و اشتها به آن ۳-...
۱۷. در ماده ۲، موضوع الحاق ماده (۳۵ مکرر ۱) به قانون، ۱-۲- بیان معیارهای مذکور، از این جهت که «تعریف و اعلام معیارها و شرایط لازم برای تشخیص» شروط مورد نظر، در بند ۵-۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات بر عهده شورای نگهبان گذاشته شده است، خلاف بند مذکور سیاست‌ها و در نتیجه مغایر بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی شناخته شد.
۱۸. اصل ۱۲۶ قانون اساسی: «رئیس‌جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می‌تواند اداره آن‌ها را به عهده دیگری بگذارد.»
۱۹. بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی: «امضاء حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم- صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.» نظریه تفسیری شماره ۱۲۳۴ مورخ ۱۳۷۰/۳/۱ شورای نگهبان در

پاسخ به استفسار رئیس هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات نسبت به مدلول اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی: «نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی، استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می‌شود.»

۲۰. ۱۱-۱- تعیین سازوکارهای شفاف، زمان‌بندی شده و اطمینان‌بخش و فراهم کردن حضور داوطلبان یا نمایندگان آن‌ها در تمام مراحل.

۲۱. ۱۵- پاسداری از آزادی و سلامت انتخابات و حق انتخاب آزادانه افراد و صیانت از آرای مردم به‌عنوان حق الناس در قانونگذاری، نظارت و اجرا و نیز رعایت کامل بی‌طرفی از سوی مجریان و ناظران و برخورد مؤثر با خاطیان.

۲۲. ماده ۱۰ لایحه انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۰: «انتخاب‌شوندگان باید دارای شرایط زیر باشند: ...۱-

۷- دارای حداقل ۳۰ سال تمام سن، ملاک محاسبه سن داوطلب تاریخ اعلام داوطلبی می‌باشد...»

۲۳. بند ۷ ماده ۱۰ لایحه مزبور که از جمله شرایط داوطلبان ریاست جمهوری را داشتن حداقل ۳۰ سال سن قرار داده است با توجه به اینکه اصل ۱۱۵ قانون اساسی در مقام بیان شرایط رئیس‌جمهور شرایط را احصا کرده و نصاب سنی تعیین نشده است و بند ۴ اصل ۱۱۰ نیز تأیید صلاحیت داوطلبان را از نظر دارا بودن شرایطی که در قانون اساسی آمده به عهده شورای نگهبان گذاشته است به نظر اکثریت اعضای شورای نگهبان مغایر قانون اساسی می‌باشد.

۲۴. نظر شماره ۹۹/۱۰۲/۲۱۶۰۶ مورخ ۹۹/۱۱/۱۳ شورای نگهبان.

۲۵. نظر شماره ۱۰۲/۲۴۷۶۵ مورخ ۱۴۰۰/۱/۲۲ شورای نگهبان و نظر شماره ۲۶۰۷-۹۹۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۱/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲۶. ماده ۳ «لایحه قانونی انتخاب اولین رئیس‌جمهور کشور جمهوری اسلامی ایران»: «رئیس‌جمهور باید از رجال مذهبی و سیاسی واجد شرایط زیر باشد:

۱- تابع ایران و ایرانی‌الاصل

۲- مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی و مذهب رسمی کشور

۳- سن بیش از سی سال تمام

۴- عدم محرومیت از حقوق اجتماعی.»

۲۷. ماده ۵۵ (اصلاحی ۱۳۷۲/۱/۱۷) - داوطلبان ریاست‌جمهوری یا نمایندگان تام‌الاختیار آن‌ها که کتباً معرفی شده باشند، باید ظرف پنج روز از تاریخ انتشار دستور شروع انتخابات، به وزارت‌کشور مراجعه نموده و پرسشنامه اعلام داوطلبی را پس از دریافت و تکمیل، همراه با چهار برگ تصویر کلیه صفحات شناسنامه و دوازده قطعه عکس ۶×۴ از آخرین عکس خود را که در همان سال گرفته باشند، به وزارت کشور تسلیم و رسید دریافت دارند.

۲۸. بند ۲-۱ سیاست‌های کلی انتخابات: «شناسایی اولیه توانایی و شایستگی داوطلبان در مرحله ثبت‌نام به شیوه‌های مناسب قانونی و متناسب با هر انتخابات.»

۲۹. ۱۰-۵- تعریف و اعلام معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست‌جمهوری توسط شورای نگهبان.

۳۰. تا پیش از ابلاغ این سیاست‌ها، شورای نگهبان به موجب آیین‌نامه داخلی خود شرایط مذکور را در نامزدهای ریاست‌جمهوری احراز می‌نموده است. (بهادری و باقری خوزانی، ۱۳۹۷: ۴۶).

۳۱. اصل ۹۴ قانون اساسی: «کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی

مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدیدنظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است». اصل ۹۸ قانون اساسی: «تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود.»

۳۲. ماده ۲- «شرایط و معیارهای لازم جهت تشخیص رجل سیاسی مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری عبارت‌اند از:

- ۱- سوابق کافی و قابل ارزیابی در فعالیتهای مذهبی و سیاسی از قبیل مکتوبات، سخنرانی‌ها و اعلام مواضع
- ۲- سوابق کافی و قابل ارزیابی در تصدی برخی مسئولیت‌ها و مدیریت‌های کلان
- ۳- سلامت و توانایی لازم جهت ایفای مسئولیت‌های ریاست جمهوری
- ۴- سن متناسب با انجام مسئولیت‌های ریاست جمهوری
- ۵- صلاحیت علمی لازم جهت ایفای وظایف ریاست جمهوری
- ۶- ارائه برنامه‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی در چارچوب صلاحیت و اختیارات قوه مجریه مبتنی بر اسناد بالادستی از جمله قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام
- ۷- معرفی مشاوران جهت تشریح برنامه‌ها و توان مدیریتی و برنامه‌ها.»

منابع

الف: فارسی

۱. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۸)، حقوق اداری ایران، تهران: توس، ج ۲.
۲. آجرلو، اسماعیل؛ بهادری جهرمی، علی (۱۳۹۵)، حقوق اساسی کشورهای اسلامی، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، چ اول.
۳. آیینہ نگینی، حسین (۱۳۹۸)، «قانون»، آشنایی با مفاهیم قانون اساسی (تحلیل برخی کلیدواژگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
۴. بهادری علی؛ باقری خوزانی، محمدحسن (۱۳۹۷)، «نگاهی به عملکرد شورای نگهبان در نظارت بر انتخابات و صیانت از آرای مردم در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری»، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
۵. پژوهشکده شورای نگهبان، اظهارنظر مجمع مشورتی حقوقی در خصوص «طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات ریاست جمهوری»، کد گزارش ۹۹۱۰۱۳۷، تاریخ انتشار ۱۳۹۹/۱۰/۲۳.
۶. تقی‌زاده، جواد (۱۳۸۵)، «شرایط خاص انتخاب‌پذیری در انتخابات سیاسی»، مجله حقوق اساسی، ش ۶۷، صص ۵۷-۸۰.
۷. حبیب‌نژاد، احمد (۱۳۹۰)، شرایط انتخاب‌شوندگی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در نظام حقوق اساسی ایران با نگاهی تطبیقی، علوم سیاسی، ش ۵۵، صص ۱-۳۲.
۸. خسروی، حسن (۱۳۸۷)، حقوق انتخابات دموکراتیک، تهران: مجد.
۹. راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸)، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، اداره تبلیغات و انتشارات.
۱۰. رستمی، ولی؛ موسی‌پور، میثم (۱۳۹۰)، «تحلیل حقوقی اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص شرایط رئیس‌جمهور»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، ش ۱، صص ۲۲۵-۲۴۰.
۱۱. رضایی‌زاده، محمدجواد؛ داوری، محسن (۱۳۹۵)، «مبانی و اصول تشخیص

- صلاحیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال پنجم، ش ۱۴، صص ۱۱۷-۱۴۲.
۱۲. صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴)، جلسه اول تا سی و یکم، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، اداره تبلیغات و انتشارات، چ اول.
۱۳. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۶)، *حقوق اداری*، تهران: سمت، چ سیزدهم.
۱۴. طحان نظیف، هادی؛ درویشوند، ابوالفضل؛ فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۶)، زیر نظر عباسعلی کدخدایی، شرح قانون اساسی-فصل هشتم-رهبر، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، ج ۱.
۱۵. طحان نظیف، هادی؛ مطیعی، محمدجواد (۱۳۹۹)، «واکاوی تعاریف مصوبه شورای نگهبان از رجل مذهبی سیاسی، مدیر و مدبر»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال نهم، ش ۲۷، صص ۴۹-۶۸.
۱۶. عطریان، فرامرز (۱۳۹۶)، *حقوق اداری تطبیقی: اداره خوب (مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا)*، تهران: میزان.
۱۷. عمید زنجانی، عباسعلی؛ موسی زاده، ابراهیم (۱۳۸۹)، *دانشنامه فقه سیاسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۱)، *فقه سیاسی*، تهران: امیرکبیر، چ ششم، ج ۱.
۱۹. فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۷)، *شورای نگهبان: نظارت بر انتخابات*، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان.
۲۰. قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۳)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران: میزان، چ دوازدهم.
۲۱. کواکبیان، مصطفی (۱۳۹۶)، *روشنای انتخاب*، تهران: آشنایی.
۲۲. لوئیس، ماسکیو؛ آندره، بلز (۱۳۹۰)، *دائرة المعارف بین المللی انتخابات*، ویرایش ریچارد رز، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: مرکز مطالعات تحقیقات و آموزش وزارت کشور با همکاری نشر میزان، چ اول.
۲۳. مشفق، محمدعلی (۱۳۹۶)، *کندوکاوی آسیب شناسانه در نظام انتخابات*، تهران: کویر، چ اول.

۲۴. مهرپور، حسین (۱۳۹۱)، *مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دادگستر، چ سوم.

۲۵. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۶)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران: حاکمیت و نهادهای سیاسی*، تهران: میزان، چ چهاردهم، ج ۲.

ب) اسناد، قوانین و مقررات

۱. آیین‌نامه اجرایی انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴/۴/۱۶ هیأت وزیران با اصلاحات بعدی.

۲. سیاست‌های کلی انتخابات مصوب ۱۳۹۵/۷/۲۴ مقام معظم رهبری.

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۸.

ج) پایگاه‌های اینترنتی

۱. طحان نظیف، هادی (۱۴۰۰)، «مصوبه شورای نگهبان برای دفاع از نامزدهای واقعی انتخابات است»، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، کد خبر ۵۲۰۶۴۷۱، قابل دسترسی در آدرس:

<https://www.mehrnews.com/news/5206471>

References

A) Books and Articles

1. Abolhamad, Abdolhamid (2009), **Administrative Law of Iran**, Tehran: Toos publication, Vol. 2.
2. Ajourlou, Ismail; Bahadori Jahromi, Ali (2016), **Constitutional Law of Islamic Countries, Tehran**, Guardian Council Research Institute, First Edition.
3. Amid Zanjani, AbbasAli (2012), **Political Jurisprudence**, Tehran, Amirkabir, sixth edition, Vol.1.
4. Amid Zanjani, Abbas Ali; Musazadeh, Ebrahim (2010), **Encyclopedia of Political Jurisprudence**, Tehran: University of Tehran Press.
5. Atrian, Faramarz (2017), **Comparative Administrative Law: Good Administration (Comparative Study of the Legal System of Iran and the European Union)**, Tehran, Mizan Publishing.
6. Ayneh Negini, Hossein (2020), "Law", **Familiarity with the concepts of the Constitution (analysis of some keywords of the Constitution of the Islamic Republic of Iran)**, Tehran: Guardian Council Research Institute.
7. Bahadori, Ali; Bagheri Khozani, Mohammad Hassan (2019), **A look at the performance of the Guardian Council in monitoring the elections**

and protecting the votes of the people in the twelfth presidential election, Guardian Council Research Institute.

8. **Detailed minutes of the Negotiations of the Constitutional Revision Council of the Islamic Republic of Iran, first to thirty-first session**, Tehran: General Office of Cultural Affairs and Public Relations, Office of Propaganda and Publications, first edition, winter 1985.

9. Fattahi Zafarghandi, Ali (2019), **Guardian Council; Election Monitoring**, Tehran, Guardian Council Research Institute Publications.

10. General Directorate of Cultural Affairs and Public Relations (1989), **Guide to Using the Detailed Minutes of Negotiations of the Constitutional Revision Council of the Islamic Republic of Iran**, Tehran, Office of Propaganda and Publications. (in Persian)

11. Ghazi, Abolfazl (2004), **Constitutional Law and Political Institutions**, Tehran: Mizan Publishing, Twelfth Edition.

12. Guardian Council Research Institute (2021), **Statement of the Legal Consultative Assembly on the "Plan to Amend Articles of the Presidential Election Law"**, Report Code 9910137.

13. Habibnejad, Ahmad (2011), "Candidacy Conditions in the Elections of the Islamic Consultative Assembly in the Iranian Constitutional Law System with a Comparative View", **Political Science (Baqer al-Uloom)**, Fall, No. 55, pp. 1-32

14. Hashemi, Seyed Mohammad (2007), **Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran: Sovereignty and Political Institutions**, Tehran: Mizan Legal Foundation.

15. Khosravi, Hassan (2008), **Democratic Election Law**, Tehran: Majd publication (in Persian)

16. Kvakbian, Mostafa (2018), **Election Lightning**, Tehran, Ashnaei Publication.

17. Mehrpour, Hossein (2012), **Summary of the Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran**, Tehran: dadghostar Publication.

18. Mushfaq, Mohammad Ali (2018), **Pathological exploration in the electoral system**, Tehran, Kavir Publication.

19. Rezaeizadeh, Mohammad Javad; Davari, Mohsen (2016), "Principles and Principles of Recognizing the Qualification of Representation in the Islamic Consultative Assembly", **Quarterly Journal of Public Law Knowledge**, Fifth Year, No. 14, pp. 117-142. (in Persian)

20. Richard Rose (2011), **International Encyclopedia of Elections**, translated by Mohammad Taghi Delfruz, Tehran: Center for Research and Education Studies of the Ministry of Interior in collaboration with Mizan Publishing, first edition, fall 2011

21. Rostami, Vali; Musaipour, Meysam (2012); "Legal Analysis of Article 115 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran on the Conditions of the President", **Law Quarterly, Journal of the Faculty of Law and Political Science**, Vol. 41, No. 1, Spring, pp. 225-240. (in Persian)

22. Tabatabai Motameni, Manouchehr (2007), **Administrative Law**, Tehran: Samt Publication.

23. Taghizah, Javad (2006), "Special Conditions for Eligibility in Political Elections", **Journal of Constitutional Rights**, No. 7 and 6, pp. 80-57.
24. Tahan Nazif, Hadi; Darvishvand, Abolfazl; Fattahi Zafarghandi, Ali; under the supervision of AbbasAli Kadkhodai (2017), **The Constitution Explained - Chapter 8 – Leader**, Tehran: Guardian Council Research Institute, Vol. 1.
25. Tahan Nazif, Hadi; Matiei, Mohammad Javad (2020), "Analysis of the Guardian Council's Definitions of Political-Religious Personality, Manager and Resourceful, **Public Law Knowledge Quarterly**, Year 9, No. 27, pp. 49-68.(in Persian)

B) Documents

1. The executive regulations of the presidential elections approved by the Cabinet on 1985/7/7 with further amendments.
2. General Policies of the Election approved by the Supreme Leader on 2016/10/15
3. The Constitution of the Islamic Republic of Iran approved in 1979.
The Law on the Presidential Elections of the Islamic Republic of Iran, approved by the Islamic Consultative Assembly on April 26, 1985, with subsequent amendments.